

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: فرامرز دادور
فرستنده: دپلوم انجنیر نسرین معروفی
۲۴ اکتوبر ۲۰۱۹

ضرورت وجود سازمان های چپ و مترقی برای پیشرفت در جامعه

در این ارتباط مهم است که ابتداء از سازمان چپ تعریف مشخصی داشته باشیم، به نظر می رسد که وجود سازمان و یا تشکل های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی توده ای و عدالتخواه به ویژه در دوران گذار به سوسیالیسم ضروری هستند. اما، یک سازمان و یا حزب پرولتری سوسیالیستی به جریانی گفته می شود که دارای پلاتفرم مبارزاتی و برنامه نسبتاً مشخص در نفی استبداد و ناعدالتهای اجتماعی و در جهت سازماندهی انسانی جامعه بوده، در پیوند نزدیک با جنبشهای مردمی، به ویژه فعالان کارگری مبارزه می کند. در مورد سازمان های مبارز چپ، برداشت های گوناگون وجود دارند. در اینجا، عمدتاً به تشکل هائی (مجموعه ای از تشکل های صنفی، دموکراتیک و همچنین رادیکال) گفته می شود که در مقابله با ستمگریهای ناشی از روابط سرمایه داری، مقید به طرح مشکلات و مطالبات رهایی طلبانه و عادلانه باشند.

با توجه به نبود آزادیهای دموکراتیک در ایران احزاب و سازمانهای اپوزیسیون از آزادی عمل برای فعالیت برخوردار نیستند. اما توده های مردم، به ویژه جوانان با توسل به انواع روشهای گوناگون و با استفاده از رسانه های اجتماعی، اعتراضات و مقاومت های خود را دامن می زنند. هر از گاه، درامان عمومی و از جمله در استادیوم های ورزشی، که به ویژه برخی از دختران با استفاده از لباس پسر شرکت می کنند، شعارهای ضد رژیم طرح می گردد. اعتراضات بلافاصله از سوی بخشهایی از جمعیت در محیط های عمومی علیه دخالت های پولیسی در زندگی و روابط اجتماعی مردم، تظاهرات (به ویژه از سوی کارگران، بازنشستگان و ...) در مقابل مجلس و برخی از نهاد های دولتی برای طرح مطالبات اقتصادی، جنبه هائی از اشکال تظاهرات می باشند. اما آنچه که برای جنبشهای آزادیخواه و عدالتجوی مردمی ضرورت دارد، ایجاد تشکلهائی است که قادر باشند به طور سازمانیافته در محیط کار، عرصه های عمومی و خیابانها مبارزه نمایند. در اینجا است که ضرورت برای وجود حزب و سازمان های گوناگون کارگری و مردمی به میان کشیده می شود.

در ایران سالها است که تعدادی از کنشگران کارگری و اجتماعی، به رغم وجود خفقان سیاسی در صدد ایجاد تشکل های مستقل کارگری و مردمی بوده اند. سندیکای اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای نیشکر هفت تپه و کانون صنفی معلمان ایران از جمله تشکل های مستقلی هستند که به رغم استمرار تهدید و سرکوب از جانب رژیم، به

حیات صنفی خود ادامه می دهند. این تشکل ها و کنشگران حامی آنها عمدتاً برای خواسته های اقتصادی، به ویژه مخالفت با خصوصی سازی در مؤسسات ستراتیژیک اقتصادی و همچنین برای حقوق دموکراتیک مانند حق ایجاد تشکل مستقل مبارزه می کنند. اما سرکوبگران جمهوری اسلامی بیرحمانه به سرکوب ادامه می دهند. در حرکتهای اعتراضی از سوی کارگران در مناطق کاری مانند هفت تپه، فولاد اهواز، هپکو و همچنین اعتراضات معلمان، کشاورزان، رانندگان کامیون، بازنشستگان، صنعتگران خرده پا و اصناف در هفته های اخیر؛ تعدادی از کارگران، فعالان اجتماعی و ژورنالیستها و از جمله اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، ساناز الیاری، امیر حسین محمدی فرد، عسل محمدی و امیر امیرقلی، تحت اسارت و به اتهام اقداماتی مانند "فعالیت تبلیغی علیه نظام" به جرمهای شدیدی محکوم گشته اند. اما مقاومت و مبارزه علیه نظام ارتجاعی و سرکوبگر جمهوری اسلامی از طرف توده های مردم همچنان ادامه دارد.

در عین حال اهمیت دارد که به کمبودهای موجود در عرصه مقاومت و اعتراضات توجه نمود. یکی از مهمترین نارسائیهایی نبود سازمانهای قدرتمند سیاسی و جبهه متحد مردمی است که بتوانند در راستای تقویت مبارزات جنبشهای اجتماعی اقدام نمایند. طرح مطالبات به تنهایی کافی نیست بلکه تدارک هدفمند و سازمان یافته جهت ایجاد تغییر بنیادی نیز ضروری است. در این رابطه پدیده سازمان و حزب مناسبت پیدا می کند. برای یک سازمان چپ فعالیت در راستای انتقال قدرت سیاسی و اجتماعی از حکومتگران سرمایه داری به نفع کارگران و تهی دستان و ایجاد دموکراسی رادیکال حیاتی است. در این رابطه رخداد انقلاب به مثابه یک پروژه بنیادی اجتماعی برای انتقال قدرت اجتماعی برجسته بوده، نقش سازمان به مثابه یک نهاد سیاسی مملو از توشه نظری و رهنمود دهنده بسیار مهم است. این شکل از فعالیت با شیوه های سنتی و غیر دموکراتیک که انتظار می رفت حزب "پرولتری" قدرت سیاسی را ی کدست تصرف نموده، جامعه را حکومت نماید، کاملاً فرق می کند. توسعه انسانی در جامعه به سازمان سیاسی دارای ایده های مبارزاتی و کشورداری نیازمند است. در واقع وجود یک سازمان چپ و گروه های غیر چپ اما استقلال گرا، و مدافع آزادی و عدالت اجتماعی برای پیروزی انقلاب دموکراتیک حیاتی هستند.

در کشورهای پیشرفته و نسبتاً دموکراتیک، به ویژه در غرب، جریانات چپ و دیگر گروه های مترقی، برای نیل به اهداف انسانی مفید بوده اند. در امریکا، سالهای اخیر به ویژه بعد از انتخاب داندل ترمپ به ریاست جمهوری، بخشهای بیشتری از جمعیت، به خصوص از میان جوانان به ایده های عادلانه تر متوجه شده اند. برای نمونه در ارتباط با کاندیداتوری برنی سندرز که خود را یک سوسیالیست دموکرات معرفی می نماید، مسائل زیادی در مورد عدالت اقتصادی، بیمه درمان، توانمند نمودن اجتماعی توده ها، بهبودی محیط زیست و ایجاد تحول صلح طلبانه در سیاست خارجی مورد توجه عمومی قرار گرفته اند. سندرز از طریق پلاتفرم خود با کمک حزب سوسیالیست دموکراتیک امریکا (دارای ۵۵۰۰۰ عضو) به ضرورت ایجاد تغییر رادیکال و عادلانه در اقتصاد دامن می زند. پیشنهاد سیاسی مهمی در مورد تقلیل گازهای آلوده و مضر به محیط زیست طرح نموده و در عرصه سیاست خارجی شدیداً به مداخلات و تجاوزات امریکا در سطح جهان منتقد می باشد. در واقع، در کنار این که، چه شیوه ها و راهکارهای سیاسی، علاوه بر مشارکت در مبارزات انتخاباتی و خیابانی می توانند در توانمندی طبقاتی جهت ایجاد مشکلات جدی در قبال حکومتگران سرمایه داری دخیل باشند، توجه به نقش مهم حزب سوسیالیست دموکراتیک امریکا و سندرز در پیشبرد ایده های مترقی در صحنه عمومی جامعه (خلاف نبود آن در ایران) بسیار با اهمیت است.

مهم است به این موضوع توجه گردد که با وجود این که در کشورهایی که آزادیهای دموکراتیک به طور نسبی رعایت می گردند، اما بخش بزرگی از توده های زحمتکش، متأسفانه از ایده های سوسیالیستی استقبال نمی کنند. عوامل زیاد ذهنی (ب.م. تبلیغات سرمایه داری و نبود آگاهی لازم در میان مردم) و عینی (ب.م. نبود گروه های لازم مردمی که در فعالیتهای مشترک جمعی دخالت داشته باشند) در این رابطه مؤثر هستند. اما به هر حال هستند تجمعیهای مردمی که حول محور مسائل اجتماعی درگیر فعالیت بوده، دموکراسی سیاسی و اجتماعی در سطح معینی برقرار می باشد. هم اکنون در امریکا به همت اتحادیه مؤتسزای اعتصاب بزرگی از سوی کارگران جنرال موتور در بیش از ۳۳ کارخانه در جریان است. در صورت وجود آزادیهای دموکراتیک، فرصت برای ایجاد توانمندی در میان توده های زحمتکش و محروم جهت تقابل علیه قدرتمندان اقتصادی و سیاسی فراهم می آید، همانگونه که مبارزات در عرصه های حقوق مدنی (به ویژه برای سیاهان و اقلیتها)، جنبش زنان و جنبش کارگری نتایج مثبتی در بر داشته است. همچنین، جهت مقابله با سیاستهای نظامیگری و امپریالیستی امریکا که دارای تقریباً ۸۰۰ پایگاه نظامی در سراسر جهان بوده خواهان پیشبرد "نظام بین المللی لیبرال" (بازار آزاد و حکومت قانون) می باشد و در این راستا از بعد از جنگ جهانی دوم به بعد، باعث تعویض حداقل ۶۴ رژیم دموکراتیک در دنیا بوده، در دهه گذشته باعث انجام جنایات و ویرانی های عظیمی به ویژه در منطقه خاورمیانه شده؛ افراد و گروه های مذهبی و لائیک و از جمله جریانات چپ و برخی اتحادیه های کارگری موفق گشته اند که در میان مردم ایده های صلح طلبانه و ضد تجاوزکارانه در حیطه سیاست خارجی را تقویت نمایند.

اما در ایران که اختناق سیاسی حاکم است، هرگونه اقدام از سوی مردم در رابطه با سیاستهای داخلی و خارجی با برخورد پولیسی و نظامی شدید روبه رو می شود. در جنگ ۸ ساله غیر ضرور با عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) و بدون دخالت سیاسی از سوی مردم، بیش از یک میلیون کشته، چند میلیون زخمی و ویرانیهای وحشتناکی در هردو کشور حاصل گشت. هم اکنون در عرصه خارجی، رژیم ایران همچنان به برنامه های ماجراجویانه و تجاوزگرانه در کشورهای همسایه و به ویژه در عراق ادامه می دهد. در عین حال، جمهوری اسلامی در حمایت از چپاولگران و رانتخواران با کمال شدت اعتراضات حق طلبانه از سوی کارگران، زنان، معلمان، بازنشستگان و سایر جریانات مردمی را سرکوب کرده، احکام قرون وسطائی صادر می کند. بازداشت بسیاری از تظاهر کنندگان در مقابل مجلس، سایر مکانهای عمومی و در محیط های کار که در میان آنها کارگران، زنان، شاعران، نویسندگان، هنرمندان و فعالان مدنی حضور دارند نمونه های تداوم اختناق سیاسی در ایران است.

هم اکنون هزاران انجمن و گروه مردمی در عرصه های احقاق حقوق کارگری، زنان، دانشجویی، صنفی، خیریه ای و فرهنگی فعال هستند. کنشگران کارگری به طور قانونی قادر به ایجاد اتحادی و تشکلهای مستقل نیستند، و بدان خاطر به عناوین مختلف در زیر چتر شبکه ای از انواع کانون ها و کمیته های صنفی مطالبات و فعالیتهای محدود خود را به جلو می برند. در میان آنها می توان از گروه اتحاد بازنشستگان، اتحادیه آزاد کارگران ایران، انجمن صنفی کارگران برق و فلز کرمانشاه، سندیکای نقاشان استان البرز، کانون مدافعان حقوق کارگر، کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای مستقل کارگری ایران اسم برد. در میان جنبش زنان، نیز با توجه به نبود آزادی سیاسی در ایران، "گفتمان حقوق برابر"، "حق خواهی جنسیتی" و "کنشهای برابری طلبانه"؛ نه سازمان یافته، بلکه به نوعی "ناجنبشی" و فاقد رهبری در اشکال غیر متمرکز، "فرد محور" و فاقد تشکیلات در مسیر "اصلاحات جامعه محور" و بدون رویارویی مستقیم با قوانین موجود انجام می گردد. البته کسانی مانند خانم نوشین خراسانی معتقد هستند که نبود "حزب و کمپین سازی و خلق جنبشی همه گیر" و آرمانگرانه فقط به صرف محدودیتهای حکومتی

نیست بلکه وجود بی واسطگی و شبکه ای در حرکت‌های کوچک اصلاح طلبانه مؤثرتر می باشد، چون که به قول ایشان در نبود چشم انداز روشن سیاسی و عدم فعالیت از سوی "جنبش متشکل زنان" و با تبدیل مطالبات فمینیستی به "کلشه های فمینیستی"؛ کنشگران برابر حقوقی می توانند که مؤثر تر بر روی رویکرد "جامعه محور" در محدوده حوزه های محلی و غیر رسمی به فعالیتهای مدنی ادامه بدهند (نوشین خراسانی، سایت اخبار روز).

اما این نوع حرکت‌های سازمان نیافته، "غیر جنبشی"، فرد محور، اتفاقی و مجزا از هم مانند حرکت‌های شهامت انگیز و در عین حال پراکنده از جانب کنشگران "کمپین یک میلیون امضاء" و "دختران خیابان انقلاب"، هم بخشی حاکی از وجود آسیب سیاسی در جنبش رهائی خواه مردم و اپوزیسیون از نوع نبود فرصت (به خاطر سرکوب حکومتی) برای تشکیل یابی حول محور اهداف و ستراتیژی مبارزاتی است و فعالیت های فردی، انجمنی و غیر چالشگرانه به ساختار سیاسی در عرصه مدنی تا اندازه ای، خواسته های اساسی تر مانند مبارزه در راستای نفی جمهوری اسلامی و نیل به نظامی دارای حقوق دموکراتیک و مدافع مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی را به حاشیه می راند. در صورت وجود شرایط نسبتاً دموکراتیک که جنبشهای مردمی قادر به سازماندهی گشته، احزاب و سازمانهای متنوع با طرح چشم اندازهای برنامه ریزی شده در میان توده ها، انسجام مبارزاتی (مانند جنبشهای حاضر در امریکا، اروپا و سایر کشورهای نسبتاً آزاد) را دامن بزنند، دستاورد های عظیم اجتماعی حاصل می گردد. در واقع، در ایران عبور از جمهوری اسلامی و ایجاد بلافاصله یک جمهوری دموکراتیک و لائیک یک وظیفه اساسی می باشد.

۱۴ اکتوبر ۲۰۱۹